خبرخوان

هشدار تشدید آلودگی هوای تهران

مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوا درباره احتمال وقوع گردوخاک و کاهش کیفیت هوا در برخی مناطق تهران هشدار داد. فاطمه کریمی گفت: «براساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده، طی روزهای آینده وزش باد نسبتا شدید تا شدید به‌ویژه در مناطق غربی و جنوبی استان تهران، دور از انتظار نیست؛ وضعیتی که می‌تواند در نواحی جنوبی با خیزش گردوخاک همراه و به افت کیفیت هوا و کاهش دید افقی منجر شود».

او با هشدار درباره این شرایط جوی ادامه داد: «اگرچه ناپایداری‌های جوی در روزهای آینده با افزایش سرعت باد، افزایش ابر و بارش‌های پراکنده همراه خواهد بود، اما یکی از مهم‌ترین پیامدهای این شرایط، احتمال گسترش گردوخاک و تشدید آلودگی هوا در برخی نقاط استان است». مدیرعامل شرکت کنترل کیفیت هوا همچنین بر ضرورت آمادگی دستگاه‌های مسئول و اطلاع‌رسانی به شهروندان به‌ویژه گروه‌های حساس تاکید کرد و خواستار توجه جدی به توصیه‌های بهداشتی و ایمنی در زمان تشدید آلودگی هوا شد.

امتحانات غیرنهایی، مجازی است

ایسنا: سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به امتحانات نهایی دانش‌آموزان پایه یازدهم و دوازدهم گفت: «اگر امتحان نهایی برگزار نشود، باید منتظر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشیم؛ آن‌هم با توجه به مصوبه‌ای که درباره «تأثیر سوابق تحصیلی» در شورا تصویب شده است. بنابراین آزمون داخلی پایه یازدهم و دوازدهم در صورتی برقرار خواهد شد که موضوع آزمون نهایی «منتفی» باشد».

علی فرهادی توضیح داد: «در پایه یازدهم و دوازدهم اگر آزمون نهایی تا شهریورماه برگزار نشد، با توجه به شرایطی که بر کشور حاکم است و اینکه اولویت اول مسائل امنیتی و حفظ جان دانش‌آموزان است، دانش‌آموزان نگران فارغ‌التحصیلی‌شان نباشند».

او افزود: «امتحان نهایی این دانش‌آموزان به دلیل کنکور و تأثیر معدل خیلی مهم است اما فارغ‌التحصیل‌شدن آنها ارتباطی به کنکور ندارد. اگر شرایط امتحان نهایی فراهم نشد، از آنها امتحان داخلی اخذ می‌شود و اگر یازدهم باشند، به پایه دوازدهم وارد و اگر دوازدهمی باشند، هم فارغ‌التحصیل می‌شوند». فرهادی ادامه داد: «اگر امتحان نهایی برگزار نشود، باید منتظر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی باشیم؛ آن‌هم با توجه به مصوبه‌ای که درباره تأثیر سوابق تحصیلی در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده است. بنابراین آزمون داخلی پایه یازدهم و دوازدهم در صورتی برقرار خواهد شد که موضوع آزمون نهایی منتفی باشد».

آسیب به ۴۰ مرکز دارویی در جنگ

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به آسیب به ۴۰ مرکز دارویی در جنگ اخیر تأکید کرد: «با وجود این خسارات، روند تأمین دارو برای مجروحان و مردم بدون وقفه و با حداقل کمبودها در حال پیگیری است». محمدرضا ظفرقندی ادامه داد: «در روزهایی که از جنگ گذشته، علاوه بر آسیبی که به مردم، به‌ویژه مردم غیرنظامی وارد شده، مجروحان غیرنظامی ما در این مدت بیش از ۳۴ هزار نفر بودند که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی تحت درمان قرار گرفته‌اند».

او افزود: «یکی از اقداماتی که خلاف همه اصول حقوق‌بشری و بین‌المللی است، حملات به مراکز بهداشتی، درمانی، اورژانس و آمبولانس‌هاست؛ به طوری که حدود ۲۴۰ مرکز بهداشتی در این حملات آسیب دیده‌اند که این امر خلاف تمام دستورالعمل‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی است». به گفته او، در بیمارستان‌ها نیز بیش از ۵۰ بیمارستان و مرکز درمانی دچار آسیب‌های کلی یا جزئی شده‌اند و بیش از ۶۰ آمبولانس در این حملات آسیب دیده‌اند؛ پایگاه‌های اورژانس نیز به‌همین‌ترتیب متحمل خسارت شده‌اند.

آسیب تالاب‌های ساحلی از موشک‌باران

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه فراوانی حملات در جنگ رمضان بیشتر از جنگ ۱۲روزه بود، گفت: «از بین مناطق چهارگانه محیط‌زیستی، این حملات عمدتا در تالاب‌های ساحلی رخ داد». شینا انصاری ادامه داد: «سازمان حفاظت محیط زیست برای بررسی، اندازه‌گیری و پایش آلودگی‌های زیست‌محیطی رخ‌داده اقدام کرده است و اگر آلودگی به آب و خاک وارد شده باشد، آن را اندازه‌گیری و برای پاک‌سازی آن اقدام می‌کنیم. با همکاری معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری در حال مستندسازی اثرات زیست‌محیطی تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران برای ارائه آن به مراجع بین‌المللی هستیم».

او با اشاره به خسارت‌های محیط‌زیستی جنگ ۱۲روزه گفت: «در این مدت هشت هزار هکتار از مناطق چهارگانه مورد اصابت قرار گرفت و با توجه به اینکه جنگ در خردادماه در جریان بود، تعداد آتش‌سوزی‌های گزارش‌شده بیش از جنگ تحمیلی اخیر بود. در جنگ رمضان کثرت حملات بیشتر بود و عمدتا در تالاب‌های ساحلی رخ داد».

رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در بخش دیگری از صحبت‌هایش درباره وضعیت تالاب‌ها با توجه به بارش‌های بهاره توضیح داد: «امسال بخش‌هایی از کشور بارش‌های خوبی را دریافت کردند و وضعیت تالاب‌ها بهبود نسبی پیدا کرده است؛ البته ایران در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و از تغییرات اقلیمی نیز متأثر است. در این شرایط برنامه‌هایی در زمینه مدیریت مصرف آب، کشاورزی پایدار و تغییر الگوی کشت باید داشته باشیم و نباید منابع آبی موجود را به عنوان منابع آبی جدید تلقی کنیم و سطح زیر کشت را افزایش دهیم». او افزود: «استان‌هایی مانند تهران، البرز و قزوین بارش‌های کافی دریافت نکرده‌اند؛ بنابراین در این استان‌ها مدیریت مصرف آب باید در پیش گرفته شود».

انصاری درباره آخرین وضعیت دریاچه ارومیه گفت: «استان آذربایجان غربی بارش‌های خوبی را دریافت کرده و حال دریاچه ارومیه خوب است اما پایدار نیست و هنوز تا احیای اکولوژیک فاصله دارد. در کارگروه احیای دریاچه ارومیه نیز تأکید کردیم برنامه‌های این حوزه باید با جدیت دنبال شود». او با اشاره به حقابه تالاب‌ها تأکید کرد: «در قوانین بالادستی مانند برنامه هفتم توسعه و قانون تالاب‌ها، به حقابه تالاب‌ها پرداخته شده است و در شرایط کم‌بارشی شدید حقابه آنها اختصاص پیدا نمی‌کند، هرچند براساس قانون، حقابه زیست‌محیطی پس از حقابه آب شرب قرار دارد و لازم است پرداخت شود. با توجه به بارش‌های سال جاری، حقابه تالاب‌ها باید تخصیص پیدا کند تا جوامع محلی نیز بتوانند از خدمات آن بهره‌مند شوند».

کارت ماشین سواری **تویوتا کمری**
جی‌ال ایکس2500CC- مدل ۲۰۱۴ به رنگ مشکی
متالیک به شماره شاسی 6T1BF4FK6EX501531
و شماره موتور 2ARU102226
شماره پلاک ایران ۸۸ ـ ۵۳۸ ب ۲۴ به نام احمد
دادخواه مفقود گردیده و فاقد اعتبار میباشد.

گزارش «شرق» از چالش خانواده‌ها با ممنوعیت فعالیت مهدکودک‌ها، سردرگمی نگهداری از فرزندان و پول‌هایی که برگردانده نمی‌شود

شهریه‌های بلوکه

بررسی‌ها نشان می‌دهد به دلیل شرایط اقتصادی و فشار خانواده‌ها، برخی از مهدکودک‌ها به‌صورت چراغ‌خاموش فعالیتشان را از سر گرفته‌اند

نیلوفر حامدی: «فعالیت کودکستان‌ها تا اطلاع ثانوی ممنوع شد»؛ این خبری است که رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، در پایان فروردین امسال اعلام کرد. حالا و بعد از گذشت حدود دو هفته از آن روز، هنوز خبری از بازگشایی مهدکودک‌ها نیست؛ آب سردی روی سر خانواده‌هایی که با تعطیلی کودکستان‌ها، در هزارتوی خانواده، کار، درآمد و نگهداری از فرزندانشان گرفتار شده‌اند. در این وضعیت گروهی از خانواده‌ها دربه‌در محل دیگری هستند تا فرزندانشان را به آن بسپرند؛ از مهدکودکی جدید تا خانه پدربزرگ و مادربزرگ و دوست و آشنا و حتی استخدام پرستار که البته خود پرونده اقتصادی جدیدی برای آنها باز خواهد کرد. از سوی دیگر، برخی خانواده‌ها می‌کوشند بتوانند شهریه‌ای را که برای ماه‌های بیشتری پرداخت کرده بودند، از کودکستان‌ها پس بگیرند، اما به درِ بسته می‌خورند. در این میان، بررسی‌های «شرق» نشان داده است برخی مهدها هم به شکل چراغ‌خاموش کرکره کودکستان‌ها را بالا برده‌اند.

نیاز به مجوزهای بالادستی

«حمیدرضا شیخ‌الاسلام»، رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، ۲۸ فروردین با اعلام خبر تعطیلی مهدکودک‌ها تا اطلاع ثانوی عنوان کرد: «درباره زمان ادامه تعطیلی کودکستان‌ها در شرایط ویژه و وضعیت‌های مشابه شرایط جنگی، تلاش می‌شود روند آموزش متوقف نشود، اما برخی تصمیمات نیازمند مجوز از نهادهای بالادستی است و حتی وزارت آموزش و پرورش نیز به‌طور مستقیم نمی‌تواند درباره حضور دانش‌آموزان و نوآموزان اعلام نظر کند». او این را هم اضافه کرد: «در شرایط خاص باید تصمیماتی گرفته شود که از بروز هرگونه آسیب احتمالی جلوگیری کند. نبود نیروی انسانی کافی می‌تواند آموزش را مختل کند و هدف اصلی، پیشگیری از هرگونه حادثه و حفظ سلامت کودکان است». شیخ‌الاسلام همچنین با اشاره به تجربه فعالیت داوطلبانه مربیان در دوره‌های بحرانی گذشته گفت: «تضمینی وجود ندارد که فضاهای جایگزین معرفی‌شده توسط خانواده‌ها با خطر روبه‌رو نشوند». او همچنین به کودکستان‌هایی که این قانون را نقض کنند هشدار داد: «کودکستان‌ها تا اطلاع ثانوی حق فعالیت حضوری ندارند و در صورت گزارش فعالیت برخی مراکز، اقدامات لازم انجام خواهد شد». او چندی بعد و در نشستی که با حضور معاون آموزش ابتدایی مدارس برگزار شد، اعلام کرد تا زمانی که سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک به‌صورت رسمی اعلام نکند، هرگونه فعالیت حضوری کودکستان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی مطلقا ممنوع است.

کلاف سردرگم تعطیلی مهدها برای والدین

از نهم اسفند سال گذشته که جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران آغاز شد، درِ مهدهای کودک هم شبیه درهای دیگری بودند که به امید بازشدن دوباره، بسته شدند. با گذشت بیش از دو ماه از آن روز و به سر بردن در روزهای آتش‌بس اما، هنوز درِ این مراکز باز نشده‌اند؛ موضوعی که شاید در نگاه نخست ساده به نظر برسد اما در ابعادی گسترده روی زندگی مردم اثر گذاشته است. «ثمین» یک دختر پنج‌ساله دارد و خودش و همسرش هم مدیران یک شرکت هستند. این دو نفر، در میان دست‌وپنجه نرم‌کردن با مشکلات شرکتی که تعداد زیادی از نیروهایش بیکار شده‌اند و هیچ پروژه‌ای هم برای درآمدزایی ندارند، هر روز دربه‌در خانه این فامیل و آن دوست هستند تا بتوانند بچه را به جایی بسپرند و خودشان عازم محل کارشان شوند: «روزهای اول که به کار برگشته بودیم، ساعت کاری کوتاه‌تر بود. حتی چند مرتبه دخترمان را با خودمان بردیم. اما این کار یک روز و دو روز نیست. نه برای بچه ما حضور دائم در محیط کاری پر از بزرگسال‌هایی که مشغول هزار مشغله و تنش هستند مناسب است و نه حق نیروهای خودمان در شرکت است که ملاحظات یک کودک را رعایت کنند. در ادامه از خانواده‌هایمان کمک گرفتیم. والدین همسرم که در قید حیات نیستند اما مادر و پدرم چند روزی توانستند این کار را انجام دهند. چند روز هم دخترم را به یکی از دوستان سپردم اما این گزینه مناسبی برای طولانی‌مدت نیست. به‌ویژه حالا و پس از جنگ که همه درگیر هزاران دردسر شخصی برای خودشان و زندگی‌شان هستند».

این زن و شوهر حتی به فکر استخدام یک پرستار در خانه بودند، اما فرصت و زمان کافی برای تحقیق در این موضوع حساس برایشان پیش نیامده است. «مهرداد»، همسر ثمین که این روزها پروفایل پرستاران زیادی را رصد کرده، توضیح می‌دهد: «آدم خجالت می‌کشد وسط این وضعیت مردم از چنین چیزی بگوید، ولی ما حتی به فکر استخدام پرستار هستیم. یعنی می‌خواهم بگویم که شرایط اقتصادی ما هنوز در سطحی قرار دارد که بتوانیم از چنین خدماتی استفاده کنیم و روند زندگی کاملا مختل نشود. اما پرستار کودک انتخاب‌کردن هم کار ساده‌ای نیست. نیاز به آزمون و خطای متعدد دارد. پیداکردن کسی که دختر ما هم با او راحت باشد و بتوانند ساعات طولانی روز را با هم بگذارنند و علاوه بر آن عامل رشدش هم باشد، چیزی نیست که بتوانیم در چند روز به نتیجه برسیم».

ثمین در ادامه می‌گوید مهدکودک دخترشان هم گفته است هیچ برنامه‌ای برای بازگشایی ندارند: «قسمت ناامیدکننده ماجرا این است که مدیریت مهدکودک دخترمان به‌صراحت اعلام کرده که هیچ برنامه‌ای برای بازگشایی ندارند. احتمالا با خودشان فکر می‌کنند، هنوز سایه جنگ بالای سر کشور است. از سوی دیگر، چیزی تا پایان سال تحصیلی باقی نمانده، اصلا نمی‌ارزد بخواهند در این اوضاع بلاتکلیف، دوباره مهدکودک را باز کنند. این را هم شنیده‌ایم که خیلی از مربیان مهد تمایلی به حضور و کار و فعالیت ندارند».

خانواده‌ها به دنبال بازگرداندن شهریه

در بررسی تعطیلی مهدکودک‌ها، بُعد دیگری که نمایان می‌شود موضوع شهریه است؛ شهریه‌ای که البته آن‌چنان ارزان نیست که بشود ساده از آن گذشت. خانواده‌ها مبالغ مشخص‌شده برای ثبت‌نام در مهدکودک موردنظرشان را برای ۹ ماه پرداخت کرده‌اند، اما کمتر از شش ماه فرصت دریافت خدمات داشتند. چراکه جنگ شد و هنوز هم اثرات آن پابرجاست. مهدهای کودک به گفته مسئولان امر هنوز تعطیل هستند و برنامه‌ای برای بازگشایی آنها وجود ندارد؛ اتفاقی که شبیه به آن در مدارس هم رخ داده و هیچ خبری از آموزش حضوری تا اطلاع ثانوی نشده است، اما در آن حوزه دست‌کم آموزش مجازی با وجود تمام کم‌وکاستی‌هایش برقرار است. «شقایق» به «شرق» می‌گوید پول زیادی به مهدکودک پسرشان داده‌اند و با وجود تعطیلی هیچ حرفی از بازگرداندن شهریه‌ها زده نمی‌شود: «هزینه شهریه، به علاوه چند ساعت اضافه که من و همسرم به خاطر کارمان نیاز داشتیم پسرمان بیشتر در مهد بماند را اگر به علاوه هزینه برنامه‌های مازاد مهدکودک کنیم، تا همین الان ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت کرده‌ایم. پول ناقابلی که قرار بود هزینه ۹ ماه حضور فرزندمان در مهدکودک شود. اما از نهم اسفند تا به امروز مهدها باز نشده‌اند، در حالی که در وضعیت آتش‌بس قرار داریم». او برای پیگیری موضوع مالی به مدیریت مهدکودک مراجعه کرده، اما پاسخ روشنی دریافت نکرده است: «من به مدیریت مهدکودک فرزندم مراجعه کردم و سعی کردم خیلی همدلانه گفت‌وگو کنم. یعنی همان ابتدا برای آنها توضیح دادم که این وضعیت قابل درک است و هرکسی به نحوی به خاطر شرایط موجود در خطر است. مشکلات مالی هم برای همه است و ما خانواده‌ها این موضوع را درک می‌کنیم. همه حرف من این بود، هزینه‌ای که برای این مهد پرداخت شده، عدد کمی نیست و ما حق داریم بخواهیم بخشی از پولمان را با وضعیتی که رخ داده به ما برگردانند. اما مدیر مهدکودک به ما گفت این شرایط را پیش‌بینی نمی‌کردند و تمام آن پول‌ها خرج شده، چک داده‌اند یا اینکه هنوز هم با نیروهایشان قرارداد دارند و باید حقوق آنها را بپردازند. راستش شرایط به‌گونه‌ای نیست که بتوانیم سر حرفمان اصرار کنیم. این شد که دست از پا درازتر به خانه برگشتم».

شهریه امسال برای سال آینده

مدیران مهدکودک‌ها هم از این شرایط آسیب دیده‌اند و درباره آنچه برایشان اتفاق افتاده توضیح می‌دهند. صاحب یکی از مهدکودک‌های خصوصی سطح بالا در یکی از نقاط شمالی شهر تهران می‌گوید عددی که در قبال ثبت‌نام کودکان دریافت می‌کنند بالاست، اما در مقابل مدعی است که بهترین خدمات آموزشی و فرهنگی و تربیتی را به آنها ارائه می‌دهد و یکی از امن‌ترین مهدکودک‌های کشور است. او که این روزها با موضوع تعطیلی و شهریه‌هایی که خانواده‌ها توقع بازگشتش را دارند روبه‌روست، درباره وضعیت مالی مهدکودکش توضیح می‌دهد و می‌گوید: «خانواده‌ها حق دارند پولشان را بخواهند اما واقعا ما هم عاری از حق و حقوق نیستیم. من همین الان باید طبق قراردادی که با نیرویم دارم تا پایان خردادماه به حدود ۱۲ نفر حقوق بدهم؛ حقوقی که از محل شهریه‌های خانواده‌ها تأمین می‌شد. حالا مهدکودکی در کار نیست و خانواده توقع دارد پولش را پس بگیرد اما نمی‌داند که من به عنوان یک مدیر، هم از نظر حقوقی و هم از نظر انسانی و اخلاقی نسبت به آن نیروی کار تعهد دارم». از سوی دیگر، او برای برنامه‌ها و ماه‌های پیش‌روی خود در محل کارش چک‌هایی کشیده که بازهم روی همان شهریه‌ها حساب کرده بود: «موعد و تاریخ چکی که من کشیدم نه جنگ می‌شناسد و نه چیزی از بیکاری و تعطیلی می‌داند. من باید آن چک را پاس کنم». البته مدیر این مهدکودک به خانواده‌ها گفته است میزان شهریه باقی‌مانده را برای سال آینده آنها ذخیره خواهد کرد: «ما تنها کاری که از دستمان برمی‌آید این است که رقمی که از شهریه‌ها باقی مانده را برای سال آینده این افراد ذخیره کنیم. به این شکل که عدد مانده از این چند ماه را محاسبه می‌کنیم و هر چند میلیون که بشود، از هزینه ثبت‌نام سال آینده کسر خواهیم کرد». البته این پیشنهاد برای خانواده‌هایی که نمی‌خواهند برای سال آینده در همان مؤسسه بمانند، عملا کارکرد ندارد.

بازگشایی چراغ خاموش

با همه اینها اما شنیده می‌شود برخی مراکز نگهداری از کودکان و مهدهای غالبا غیردولتی، سراغ بازگشایی چراغ‌خاموش رفته‌اند. مادری که دو پسر دوقلو دارد، توضیح می‌دهد اگر مهدکودک فرزندانش این کار را نمی‌کرد، عملا او هیچ راهی برای ادامه زندگی نداشت: «من مادر مجرد هستم و نگهداری از دو پسر دوقلو در شرایط عادی هم کار ساده‌ای نیست. تعداد زیادی از همکارانم کارشان را از دست داده‌اند و من به خاطر اینکه سرپرست خانواده هستم و دو بچه دارم بیکار نشده‌ام. اگر قرار بود مهدکودکی در کار نباشد که از بچه‌های من نگهداری کند، مجبور می‌شدم کارم را کنار بگذارم و در آن صورت دیگر هیچ محل درآمدی نداشتم».

مسکن در تعلیق جنگ

محمد محمدی
پژوهشگر و جامعه‌پژوه

جنگ ۴۰روزه، فارغ از ابعاد نظامی و امنیتی، وضعیتی اجتماعی پدید آورده است که آثار آنچه جنگ ادامه یابد و چه فروکش کند سال‌ها بر زندگی مردم سایه خواهد انداخت؛ از جمله آسیب گسترده به مسکن و ناامن‌شدن زیست سکونتی شهروندان. در جامعه‌ای مانند ایران که خانه نه‌تنها محل سکونت، بلکه مهم‌ترین دارایی اقتصادی خانوار به شمار می‌رود، تخریب یا آسیب به واحدهای مسکونی صرفا یک مسئله عمرانی نیست، بلکه رخدادی است که به‌طور مستقیم با امنیت روانی، ثبات اقتصادی و پیوندهای اجتماعی گره خورده است. بر اساس برآوردهای اولیه وزارت راه و شهرسازی و سازمان مدیریت بحران، در جریان این جنگ کوتاه اما پرشدت، بیش از ۱۴۰ هزار واحد مسکونی در استان‌های مختلف کشور آسیب دیده‌اند. به‌گفته سخنگوی شهرداری تهران، حدود ۴۴ هزار واحد در تهران دچار خسارت شده و نزدیک به سه هزار واحد نیز به‌طور کامل تخریب شده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد هزینه بازسازی این حجم از خسارت حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود؛ عددی که به‌روشنی نشان می‌دهد بازسازی مسکن در این مقطع صرفا یک پروژه عمرانی معمول نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی پیش‌روی کشور به شمار می‌آید.

در چنین شرایطی، مسئله اساسی فقط میزان تخریب نیست، بلکه چگونگی سازماندهی فرایند بازسازی است. تجربه‌های تاریخی نشان داده‌اند بازسازی مسکن پس از بحران‌ها، چه جنگ و چه بلایای طبیعی، اگر بدون سازوکار نهادی روشن و هماهنگی میان دستگاه‌ها انجام شود، می‌تواند سال‌ها به طول بینجامد و پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای برجای بگذارد. بازسازی در ظاهر به معنای ساخت دوباره بناهاست، اما در واقع فرایندی پیچیده است که ابعاد مالی، نهادی، اجتماعی و حتی روانی را در بر می‌گیرد. وزارت راه و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شهرداری‌ها، سازمان برنامه و بودجه و شبکه بانکی همگی در این فرایند نقش دارند. با این حال، تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد فقدان فرماندهی واحد و پراکندگی نهادی می‌تواند سرعت و کیفیت بازسازی را به‌شدت کاهش دهد. نگاهی به تجربه بازسازی مناطق جنگ‌زده در دهه ۶۰ نشان می‌دهد در آن زمان، وجود ساختارهای نسبتا متمرکز و هماهنگ توانست روند بازسازی را تا حدی تسریع کند. در آن دوره، مجموعه‌ای از نهادها از جمله شورای عالی بازسازی، ستادهای اجرایی و بنیاد مسکن در قالب یک چارچوب نسبتا یکپارچه فعالیت می‌کردند. این هماهنگی نهادی سبب می‌شد تصمیم‌گیری و اجرا فاصله زیادی از یکدیگر نداشته باشند. در شرایط کنونی نیز بسیاری از کارشناسان حوزه مسکن بر این نکته تأکید می‌کنند بدون ایجاد نوعی مرکز هماهنگی ملی برای بازسازی، مدیریت پروژه‌ای به این گستردگی دشوار خواهد بود. تجربه‌های جهانی نیز نشان می‌دهد در بحران‌های بزرگ، وجود یک نهاد مرکزی که بتواند میان دستگاه‌های مختلف هماهنگی ایجاد کند، یکی از عوامل کلیدی موفقیت در بازسازی است. با این حال، ساختار مدیریتی فقط بخشی از مسئله است. آنچه در سال‌های اخیر در ادبیات برنامه‌ریزی شهری و بازسازی مورد توجه قرار گرفته، ضرورت مشارکت شهروندان در فرایند بازسازی است. بازسازی مسکن دیگر صرفا به معنای ساخت واحدهای جدید توسط دولت یا پیمانکاران نیست، بلکه فرایندی اجتماعی است که باید با نیازها، تجربه‌های زیسته و ترجیحات ساکنان محله‌ها هماهنگ باشد. در بسیاری از کشورها، مدل‌های بازسازی مشارکتی توانسته‌اند نتایج موفق‌تری نسبت به مدل‌های صرفا دولتی به دست آورند. برای مثال، پس از زلزله کوبه در ژاپن در سال ۱۹۹۵، دولت ژاپن سازوکاری ایجاد کرد که در آن شوراهای محلی و گروه‌های ساکنان در طراحی و برنامه‌ریزی بازسازی نقش داشتند. این شوراها نه‌تنها درباره شکل و نحوه بازسازی محله‌ها نظر می‌دادند، بلکه در اولویت‌بندی پروژه‌ها و نظارت بر اجرا نیز مشارکت می‌کردند. نتیجه آن بود که بازسازی، به‌جای آنکه صرفا یک پروژه عمرانی باشد، به فرایندی اجتماعی تبدیل شد که در آن ساکنان احساس مالکیت و مشارکت داشتند.

نمونه‌ای دیگر را می‌توان در تجربه ترکیه پس از زلزله بزرگ سال ۱۹۹۹ مشاهده کرد. در آنجا نیز دولت علاوه بر تأمین منابع مالی و تسهیلات، سازوکارهایی برای حضور انجمن‌های محلی و سازمان‌های مدنی در روند بازسازی ایجاد کرد. این مشارکت به کاهش تعارضات اجتماعی، تسریع تصمیم‌گیری‌ها و افزایش اعتماد عمومی کمک کرد. در بوسنی و هرزگوین نیز پس از جنگ داخلی دهه ۱۹۹۰، بازسازی مسکن با مشارکت مستقیم ساکنان و انجمن‌های محلی انجام شد و همین امر موجب شد بسیاری از خانواده‌ها سریع‌تر به خانه‌های خود بازگردند. اهمیت این تجربه‌ها برای ایران در آن است که بازسازی گسترده مسکن فقط با منابع مالی حل نمی‌شود. حتی اگر دولت بتواند منابع لازم برای بازسازی را فراهم کند، بدون مشارکت شهروندان و نهادهای محلی، فرایند بازسازی ممکن است به پروژه‌ای طولانی و فرساینده تبدیل شود. مشارکت مردم می‌تواند در مراحل مختلف، از ارزیابی خسارت گرفته تا طراحی و نظارت، نقش تعیین‌کننده داشته باشد. این مشارکت همچنین به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند؛ امری که در شرایط پس از بحران اهمیت زیادی دارد. با این حال، یکی از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی بحران مسکن پس از جنگ، فشار اقتصادی آن بر طبقات مختلف اجتماعی است. در ایران، خانه برای بسیاری از خانوارها مهم‌ترین سرمایه اقتصادی محسوب می‌شود. بخش قابل توجهی از طبقه متوسط دارایی اصلی خود را در قالب مسکن نگهداری می‌کند. آسیب‌دیدن خانه برای این گروه به معنای از دست دادن بخشی از امنیت اقتصادی است. خانواده‌ای که خانه‌اش آسیب دیده، ناگزیر است در کوتاه‌مدت برای اسکان موقت هزینه کند، در حالی که هم‌زمان باید منابعی برای تعمیر یا بازسازی خانه فراهم کند. این وضعیت می‌تواند پس‌اندازهای سال‌ها کار را در مدت کوتاهی از بین ببرد و حتی برخی خانوارهای طبقه متوسط را به سمت سقوط اقتصادی سوق دهد. در این میان، وضعیت خانوارهای کم‌درآمد و فرودست از این هم دشوارتر است. برای بسیاری از این خانوارها، خانه تنها دارایی قابل اتکای زندگی است. از دست دادن یا آسیب‌دیدن آن، نه‌تنها مسئله مسکن، بلکه مسئله معیشت و بقا را به خطر می‌اندازد. خانوارهای کم‌درآمد معمولا دسترسی محدودی به منابع مالی، وام‌های بانکی یا بیمه‌های ساختمانی دارند. در نتیجه حتی هزینه‌های موقت اسکان نیز می‌تواند فشار شدیدی بر آنها وارد کند. اگر فرایند بازسازی طولانی شود، این خانوارها ممکن است ناچار شوند به سکونتگاه‌های غیررسمی، خانه‌های استیجاری نامناسب یا مناطق حاشیه‌ای مهاجرت کنند. چنین روندی می‌تواند در بلندمدت به گسترش فقر شهری و افزایش نابرابری فضایی منجر شود.

از این منظر، زمان در فرایند بازسازی اهمیت حیاتی دارد. هرچه بازسازی طولانی‌تر شود، پیامدهای اجتماعی آن گسترده‌تر خواهد شد. طولانی‌شدن بازسازی می‌تواند به گسست شبکه‌های اجتماعی محله‌ها، اختلال در تحصیل کودکان، کاهش ثبات شغلی و افزایش فشار روانی بر خانواده‌ها منجر شود. بسیاری از مطالعات جامعه‌شناختی درباره بازسازی پس از بحران‌ها نشان داده‌اند تأخیر در بازسازی مسکن می‌تواند حتی به تغییر الگوی سکونت شهرها و مهاجرت دائمی ساکنان منجر شود. به بیان دیگر، اگر بازسازی به‌موقع انجام نشود، برخی محله‌ها ممکن است جمعیت خود را از دست بدهند و ساختار اجتماعی شهر دچار دگرگونی شود. در چنین شرایطی، یکی از ضرورت‌های اساسی سیاست‌گذاری، ایجاد سازوکاری یکپارچه برای مدیریت بازسازی مسکن است. این سازوکار باید بتواند میان دستگاه‌های مختلف هماهنگی ایجاد، منابع مالی را به‌صورت شفاف مدیریت و زمینه مشارکت شهروندان را فراهم کند. وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی اصلی سیاست‌گذاری در حوزه مسکن، می‌تواند نقش محوری در شکل‌گیری چنین ساختاری ایفا کند. در کنار آن، حضور فعال بنیاد مسکن، شهرداری‌ها و نهادهای محلی نیز ضروری است؛ زیرا این نهادها در سطح اجرا و ارتباط با مردم نقش تعیین‌کننده دارند.

در نهایت، بازسازی مسکن پس از جنگ فقط به معنای ساخت دوباره دیوارها و سقف‌ها نیست. خانه، نقطه آغاز زندگی روزمره و محل شکل‌گیری روابط خانوادگی و اجتماعی است. وقتی خانه آسیب می‌بیند، زندگی نیز در نوعی تعلیق قرار می‌گیرد. بنابراین بازسازی مسکن در واقع بازسازی امکان زیستن عادی است. اگر این فرایند با برنامه‌ریزی دقیق، هماهنگی نهادی و مشارکت شهروندان همراه باشد، می‌تواند فرصتی برای تقویت همبستگی اجتماعی و نوسازی شهری نیز فراهم کند. اما اگر بازسازی طولانی، پراکنده و ناهماهنگ پیش برود، فشار اصلی آن بر دوش کسانی خواهد بود که کمترین توان تحمل بحران را دارند: طبقه متوسطی که امنیت اقتصادی‌اش شکننده شده و فرودستانی که خانه برایشان آخرین سنگر زندگی است. در چنین شرایطی، بازسازی خانه‌ها در واقع تلاشی برای بازگرداندن ثبات اجتماعی به جامعه‌ای است که پس از جنگ، بیش از هر زمان دیگری به آن نیاز دارد.